

معنی در پیام نیست!

پای صحبت دکتر مهدی محسنیان‌راد
استاد و نظریه‌پرداز ارتباط‌شناسی
ابراهیم اصلانی

بگذارید بحث را از تعریف ارتباط شروع کنیم. شما در فصل اول کتاب «ارتباط‌شناسی» به تفصیل و از گذشته تا امروز، تعاریف ارتباط و تفاوت‌های بین آن‌ها را مرور کرده‌اید در این میان نکته درخور توجه، تفاوتی است که در تعریف خودتان از ارتباط در طول زمان به وجود آمده است. در ویرایش اول کتاب، تعریفی ارائه کرده‌اید اما پس از ۲۵ سال، در ویرایش جدید، تعریف شما دگرگون شده است. لطفاً دلیل این تفاوت را توضیح دهید.

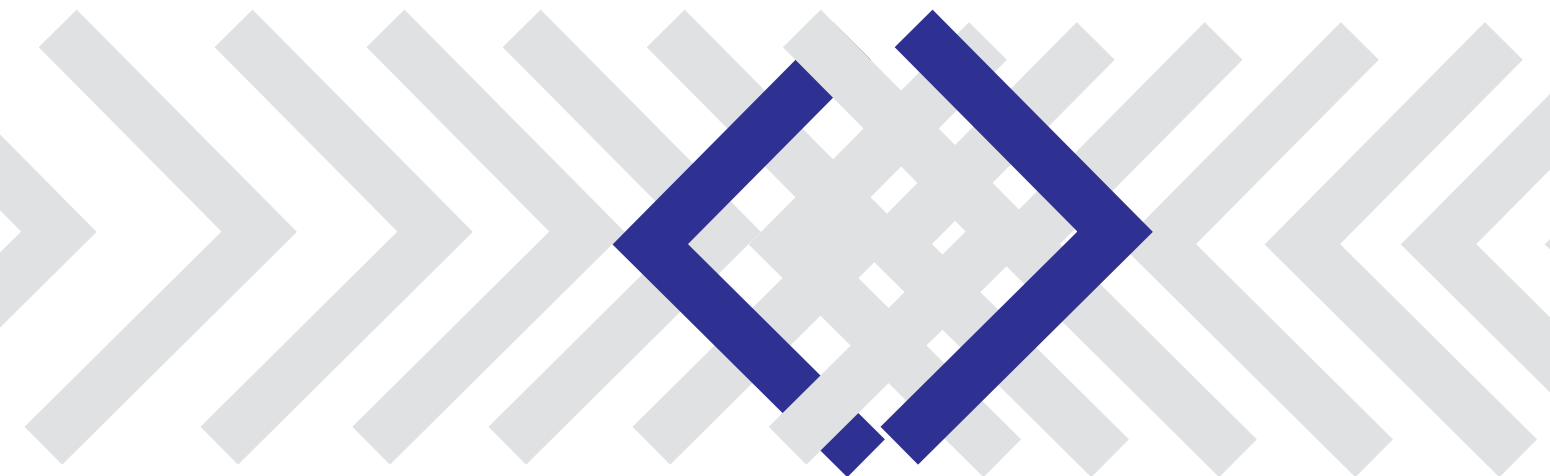
در ویرایش اول کتاب «ارتباط‌شناسی»، ضمن تحلیل و نقد تعاریف متعدد، این تعریف را ارائه کردم: «ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده؛ مشروط بر آنکه در گیرنده پیام مشابهت معنی با معنی موردنظر فرستنده پیام ایجاد شود.» دسترسی به کتاب‌های جدیدتر در غرب، به‌ویژه فرصت مطالعاتی شش ماهه سال ۲۰۱۴ در آمریکا و پژوهش‌های میدانی که با دستیاران و دانشجویانم طی ۲۵ سال گذشته و به‌صورتی بی‌وقفه در شهرها و حتی روستاهای ایران روی پدیده ارتباط انجام می‌دادیم و همچنین، طراحی یک پژوهش میدانی ابداعی جدید و اجرای آن در کشورهای استرالیا، انگلستان، کانادا، فرانسه، آلمان و ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۳ و مقایسه نتایج با آنچه در ایران انجام داده بودیم، منتهی به بازنویسی تعریف ارتباط شد.

یک تفاوت، بیان ماهیت سه‌گانه ارتباط بود که حاصل کار دانشمندان ارتباطات طی سال‌های اخیر است. قبلاً بیشتر منابع غربی ارتباط را «فراگرد» می‌دانستند، ولی اکنون برای آن

اشاره

دکتر مهدی محسنیان‌راد با سابقه چهار دهه تدریس و تحقیق، از استادان شاخص دانش ارتباطات در ایران است. دیدگاه‌های علمی او در زمینه ارتباط‌شناسی شاید بیش از ایران، در کشورهای دیگر شناخته شده باشد. محسنیان‌راد آثار متعددی دارد اما بیشتر کسانی که با علوم‌انسانی مرتبط‌اند، او را با کتاب «ارتباط‌شناسی» می‌شناسند. این کتاب که نه فقط در ایران، بلکه در جهان هم از اولین آثار مطرح در زمینه نگرش جدید به مفهوم ارتباط تلقی می‌شود، اولین بار در سال ۱۳۶۹ منتشر شد و بعد از ۱۵ چاپ، ویرایش جدید آن در سال ۱۳۹۵ به بازار کتاب آمد.

با توجه به موضوع محوری این شماره فصلنامه رشد مدیریت مدرسه، گفت‌وگویی با دکتر محسنیان‌راد انجام شد. این گفت‌وگو حاوی نکات جدید و متفاوتی است و امیدواریم بتواند موجب تأمل بیشتر خوانندگان درباره مفهوم ارتباط و کارکردهای آن شود.



ماهیتی سه‌گانه قائل‌اند.

ملاحظه کنید؛ وقتی کسانی که با شیمی سروکار دارند می‌نویسند کلر گاز است، دیگر نیازی نیست که توضیح دهند گاز چیست، اما وقتی ارتباط‌شناسان می‌گویند ارتباط ممکن است به صورت «جریان»، «فراگرد» یا «تراکنش» باشد، لازم است تک‌تک این اصطلاحات به‌وضوح توضیح داده شود.

گاهی ارتباط یک‌طرفه است که می‌توان آن را «جریان» نامید؛ مثلاً صدها ماهواره‌ای که بر فراز شهرهای جهان، بدون کمترین تجسمی از ویژگی‌ها و مشخصات دریافت‌کنندگان برنامه‌ها، مشغول پخش برنامه‌اند، تقریباً همان جریان یک‌طرفه را انجام می‌دهند. فرستندگان این برنامه‌ها هر قدر هم کوشش کنند که این جریان یک‌طرفه را به کمک تقاضا برای دریافت تلفن و ایمیل و غیره از بینندگان، تغییر دهند، باز هم ماهیت آن بیشتر «جریان» است.

ارتباط در بیشتر مواقع ماهیت «فراگرد» دارد؛ یعنی دوطرفه و به مثابه کنش متقابل است. من دارم حرف می‌زنم، شما اخم می‌کنید؛ مسیر حرفم را عوض می‌کنم. البته فراگرد ارتباط همیشه به این سادگی نیست و ابعاد پیچیده‌تری دارد. خصلت فراگردی ارتباط را در سخن حکمای سده‌های گذشته ایران نیز می‌توان دید. **سعیدی** به تأثیر متقابل میان عناصر ارتباط توجه دارد و می‌گوید:

به جز کشته خویشتن، ندروی
چو دشنام گویی، دعا نشنوی

اگر بگوییم ارتباط «تراکنش» است، مقصود آن است که با داشتن ارتباط‌گر خوب یا ارتباط‌گیر خوب، مسئله حل نمی‌شود

بلکه هر دو باید خوب باشند تا ارتباط خوبی داشته باشیم. در الگوی تراکنشی، ارتباط چیزی نیست که ما برای دیگران انجام می‌دهیم بلکه چیزی است که به‌طور مشترک با آن‌ها انجام می‌دهیم. در نتیجه، موفقیت هر یک از دوطرف، وابسته به چیزی دیگر هم هست. وقتی کنش متقابل بین دو نفر منجر به چیزی بیش از تبادل پیام‌های لفظی شود و آن دو به این درک مشترک برسند که یکدیگر را می‌فهمند/ دوست دارند/ می‌شناسند یا به هم نیاز دارند، ارتباط ماهیت تراکنشی به خود می‌گیرد؛ فرض کنید همسر تان به شما بگوید «لطفاً یک لیوان آب بدهید» و شما در جواب بگویید «چشم». در این ارتباط، فقط یک پیام ساده فرستاده نشده، بلکه چیزی شگفت‌انگیز و فوق‌العاده رخ داده است. به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، دو نفر با یکدیگر صحبت کرده‌اند و اعتماد شکل گرفته است. به عبارت صحیح‌تر، «اعتماد» تراکنش شده است. دو نفر با هم مصاحبت می‌کنند و عشق به‌وجود می‌آید؛ پس، عشق تراکنش شده است.

بر اساس تعریف خودتان در کتاب قبلی، «معنی» در ارتباط چه جایگاهی پیدا می‌کند؟

حتماً شما هم در دبیرستان از دفترچه «لغت - معنی» استفاده کرده‌اید اما از نگاه ارتباط‌شناسانه، آن دفترچه‌ها هیچ ارتباطی به «معنی» ندارند. در میان ارتباط‌شناسان، **دیوید برلو** نخستین اندیشمندی بود که **مصرا نه اعلام کرد که معنی در پیام نیست، بلکه در ماست**. البته دلایلی وجود دارد که می‌توانیم بگوییم منشأ این اندیشه مشرق‌زمین و ایران است. برای نمونه، **سنایی** در ابیات مختلف به‌وضوح معنی و سخن

را طوری متفاوت می‌بیند که می‌گوید این دو هرگز با یکدیگر نمی‌آمیزند:

معانی و سخن، یک با دگر هرگز نیامیزد
چنان چون آب و چون روغن، یک از دیگر گران دارد
بعدها مولوی نیز با سنایی هم‌صدا شد که معنی در پیام
نیست؛ از جمله:

و آنکه این معنی در آن صورت بدید
صورت از معنی، قریب است و بعید
مولوی در «دیوان شمس»، برای نفی نظریه وجود معنی در
پیام، معانی را به دریا و زبان را به ناودانی باریک تشبیه کرده
است و سؤال می‌کند که چگونه ممکن است، دریا در یک ناودان
جای گیرد:

معانی را زبان چون ناودان است
کجا دریا رود در ناودانی

پس، همیشه این احتمال وجود دارد که در ارتباط، معنی
مشابه نباشد. به این ترتیب، هر چه معنی مورد نظر در ارتباط‌گر با

می‌شود، حرکات دست به‌ویژه در صحبت‌های پرهیجان که
گویی به کمک کلام آمده و پیامی مکمل است. پیام‌هایی هم
هستند که حتی با توضیح نمی‌توان پیام بودن آن‌ها را پذیرفت؛
مثلاً لباسی که بر تن داریم و حتی چگونگی شانه کردن موها.
همه مثال‌هایی که گفتم، در یک دسته‌بندی رایج، قابل
تفکیک به دو دسته پیام‌های کلامی و غیرکلامی است. وقتی
از «پیام‌های غیرکلامی» سخن می‌گوییم، نباید دچار این تصور
شویم که مقصود، تولید پیام بدون استفاده از کلمات صوتی است؛
زیرا کلمات نوشتاری نیز کلامی محسوب می‌شوند، در حالی که
صدا ندارند.

با این تفصیل، تعریف شما از ارتباط چیست؟

ارتباط پدیده‌ای چهار مسئله‌ای است و شرط وقوع ارتباط
موفق، حل این مسئله‌هاست. در کتاب «ارتباط‌شناسی ۲» که
سال ۱۳۹۵ با حدود ۶۰۰ صفحه مطلب تازه منتشر شد، مسئله
را به‌طور کامل شرح داده‌ام. در این گفت‌وگو فقط به نتیجه بحث
اشاره می‌کنم که در درک تعریف ارتباط هم مؤثر است. دیدیم
که ارتباط می‌تواند به‌صورت «جریان»، «فراگرد» یا «تراکنش»
به جابه‌جایی پیام میان حداقل دو «منبع معنی» (ارتباط‌گر و
ارتباط‌گیر) منتهی شود، اما این کافی نیست. ارتباط ۴ شرط
دارد؛

۱. محتوای پیام تولیدی ارتباط‌گر، نمایندگی معنی مورد نظر
او را داشته باشد؛

۲. مفهوم صید شده ارتباط‌گیر با محتوای پیام ارتباط‌گر مشابه
باشد؛

۳. معنی متجلی شده در ارتباط‌گیر منبث از مفهوم صید
شده او باشد؛

۴. معنی متجلی شده در ارتباط‌گیر، مشابه معنی مورد نظر
ارتباط‌گر باشد.

اما چون هدف نهایی دستیابی به تجلی معنی در مغز ارتباط‌گیر
مشابه مغز ارتباط‌گر است که در شرط چهارم آمده، می‌توان
گفت که شروط ۱ تا ۳ نقش وسیله را ایفا می‌کنند؛ بنابراین،
تعریف نهایی جدید من از «ارتباط» به این صورت خواهد بود:

ارتباط عبارت است از «جریان»، «فراگرد» یا «تراکنش»
جابه‌جایی پیام میان حداقل دو «منبع معنی»؛ مشروط
بر اینکه معنی متجلی شده در ارتباط‌گیر، مشابه معنی
مورد نظر ارتباط‌گر باشد.

بر همین مینا، «ارتباط‌شناسی» هم عبارت است از مطالعه
ماهیت جریان، فراگرد یا تراکنش نظام‌های معنایی با همه انواع
ارتباطات، در کلیتی متشکل از زمان، فضا، منش و موقعیت.

با توضیحاتی که در کتاب داده و نکاتی هم که تا
اینجا بیان کرده‌اید، به‌نظر می‌رسد امروز وقتی از ارتباط
سخن می‌گوییم، منظور فقط ارتباط انسان با انسان
نیست. به این ترتیب، آیا می‌توان از گونه‌های ارتباط
صحبت کرد؟ چه سطوحی برای ارتباط می‌توانید ترسیم
کنید؟

وقتی از «پیام‌های غیر کلامی» سخن
می‌گوییم، نباید دچار این تصور شویم
که مقصود، تولید پیام بدون استفاده
از کلمات صوتی است؛ زیرا کلمات
نوشتاری نیز کلامی محسوب می‌شوند،
در حالی که صدا ندارند

معنی متجلی شده در ارتباط‌گیر مشابهت بیشتری داشته باشد،
ارتباط کامل‌تر خواهد بود.

هنوز ارتباط را تعریف نکرده‌اید. آیا چیز دیگری
مانده است که بخواهید قبل از تعریف ارتباط، اضافه
کنید؟

باید کمی هم به این نکته بپردازیم که «در ارتباط چه چیزی
منتقل می‌شود». پیام را می‌توان به دو گونه تجسم کرد؛ نخست
همان است که همگان از آن تلقی دارند و می‌توان آن را صحبتی
دانست که به‌صورت گفت‌وگوی رو در رو یا با تلفن انجام می‌شود،
پیام، نامه، ایمیل و پیامکی است که فرستاده می‌شود، خبری
است که در روزنامه منتشر یا از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود،
قبض آب و برق و گازی است که برای مشترکان ارسال می‌شود،
تابلوی عبور یک‌طرفه‌ای است که سرگذر نصب شده، برچسب
تخلیه چاه است که برخلاف میل صاحب‌خانه‌ها پشت در همه
منازل شهر چسبانده شده است و بسیاری موارد مشابه دیگر.

دوم مواردی است که در ذهن همگان نیست، اما هنگامی که
توضیح داده شود، می‌پذیرند که آن‌ها را نیز می‌توان پیام نامید؛
مانند حالت رنجشی که در چهره یک آدم و به‌صورت اخم ابراز

حال پردازیم به دومین سطح دسته بزرگ ارتباط...
 یک سطح ارتباط هم «ارتباط در جهان غیرملموس» یا زمینه سوم است. پیش از آن توضیح دهم که هر ارتباطی در یک زمینه^۱ انجام می‌شود که به دو دسته زمینه مادی - تفاوت گفت‌وگو در یک کافی‌شاپ با یک مسجد - و زمینه غیرمادی - گفت‌وگو در یک مجلس عزا با یک مجلس عقدکنان اما هر دو در یک اتاق - تقسیم شده است. به نظر من، زمینه سومی هم وجود دارد که شاید در دهه‌ها و حتی سده‌های آینده راز و رمز آن را بیشتر کشف کنند. زمینه سوم فضایی است که در آن جامدات، گیاهان، جانوران، آسمان و کائنات با یکدیگر یا با انسان در حال ارتباط اند. این فضا در برخی از آثار و نوشته‌های عرفای قرون گذشته ایران، به‌گونه‌ای واقعی و ملموس مطرح شده است، اما برای بسیاری از ما غیرملموس است. حتی مولوی درباره «آن سو» یا همان زمینه سوم موردنظر من، چنان سخن می‌گوید که گویی

وقتی می‌خواهیم گونه‌های ارتباط را از منظر ارتباط‌شناسی دنبال کنیم، باید موضوع را اولاً در چند سطح ارتباط انسان با انسان ببینیم و آن‌گونه که دینس **مک کوئیل** نظریه‌پرداز مشهور و معاصر به‌صورت لایه‌های یک مثلث توصیف کرده است: در بخش مربوط به رأس مثلث ارتباط درون‌فردی^۱ یا همان ارتباط با خود است که با تفکر تفاوت دارد. سطح بعدی، ارتباط میان‌فردی^۲ است. پس از آن، ارتباط گروهی^۳ که شامل ارتباط ۳ تا حدود ۲۰ نفر است. لایه بعدی، ارتباط عمومی^۴ است که دربرگیرنده تمام سخنرانی‌ها، سمینارها و از این قبیل است. آخرین لایه، ارتباط جمعی^۵ یا همان رسانه‌هاست. مک کوئیل کتاب جدیدش را سال ۲۰۱۰ منتشر کرد. شاید او نیز احساس می‌کرد فناوری‌های نوین حوزه تلفن‌های هوشمند دارد بین چند سطح - جز اول - روزهایی باز می‌کند، اما از یک دیدگاه، می‌توانم ارتباطات انسانی را در یک دسته بزرگ‌تر بنشانم که در کتاب ارتباط‌شناسی^۲ آن را «ارتباط در جهان ملموس» نامیده‌ام و شامل ارتباط انسان با حیوان، ارتباط انسان با انسان و ارتباط انسان با ماشین می‌شود.

ارتباط‌شناسی، ارتباط انسان با ماشین تا چه اندازه مورد توجه است؟

درباره ارتباط انسان با ماشین باید بگویم این موضوع هنوز در آغاز راه است. مهم‌ترین ویژگی این نوع ارتباط، وابستگی انسان ارتباط‌گر یا ارتباط‌گیر به فناوری است و چون فناوری‌های این نوع از ارتباط، نسبتاً پرهزینه و تا حدودی مستلزم برخورداری



دکتر مهدی محسنیان‌راد متولد سال ۱۳۲۴ در تهران است. او دکترای جامعه‌شناسی دارد و عضو هیئت علمی دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) و عضو ارشد انستیتو بین‌المللی ارتباط‌شناسی است. فعالیت‌های گوناگونی در عرصه‌های علمی و اجتماعی داشته و از جمله عضو هیئت داوران جشنواره خوارزمی بوده است. محسنیان‌راد جوایز علمی متعددی در ایران و خارج از کشور کسب کرده که یکی از آن‌ها لوح تقدیر و نشان علمی از پروفیسور **ریچارد لاتینگان**، رئیس انستیتو بین‌المللی ارتباط‌شناسی دانشگاه ایلینویز جنوبی آمریکا، در سال ۲۰۰۸ م است.

از دکتر محسنیان‌راد کتاب‌هایی در ایران و آمریکا چاپ شده است. بعضی از آثار وی در ایران عبارت‌اند از: «ارتباطات انسانی»، «در حسرت فهم درست»، «ایران در چهار کهکشان ارتباطی: سیر تحول تاریخ ارتباطات در ایران از آغاز تا امروز»، «روش‌های مصاحبه خبری»، «ریشه‌های فرهنگی ارتباط در ایران» و «روزنامه‌نگاران ایران و روزنامه‌نگاری در ایران».

آن سو ملموس‌تر از این سوست:

مرده زین سواند و زان سو زنده‌اند
 خامش اینجا وان طرف گوینده‌اند

تجربه‌کنندگان زمینه سوم واقعی، بدون آنکه به صراحت بیان کنند، بر این باورند که ما قدرت درک آنچه را آنان درک می‌کنند، نداریم. در کنار این آثار، حجمی بسیار از توصیف‌هایی در دست است که محل وقوع آن‌ها نه زمینه سوم مورد تجربه عرفا، بلکه زمینه‌های تخیلی یا مجازی است که آن را می‌توان در آثار بسیاری از شعرا یافت؛ مانند گفت‌وگوی بی‌پایان «شمع و پروانه». این‌گونه است که زمینه سوم را می‌توان به دو دسته مجازی و احتمالاً واقعی تقسیم کرد.

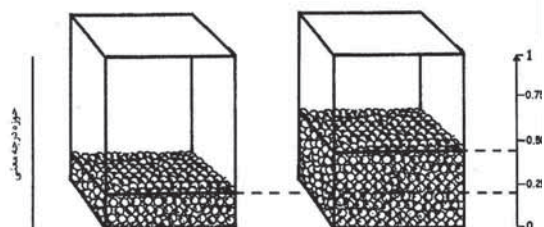
به نظرم برای اینکه مفهوم «زمینه سوم» بهتر درک شود، باید از مدل ارتباطی‌ای که خودتان واضح آن هستید، حرف بزنیم. شما در بین دانشمندان حوزه ارتباط‌شناسی، به‌خاطر نوشتن کتاب و مقالات، انجام

از درجه‌ای از توانایی‌های فناورانه است، نمی‌توان عمومیت آن را هنوز در زندگی انسان دید، اما به‌زودی چنین اتفاقی خواهد افتاد. هر قدر فناوری ارتباط انسان با ماشین، بتواند این پدیده را از یک ارتباط یک‌سویه به ارتباطی دوسویه تبدیل کند، انسان مرحله عبور از دوران به‌کارگیری کارگران رباتیک به ربات‌های ارتباط‌گر را زودتر طی خواهد کرد. اکنون پیش‌بینی‌های مربوط به آینده ابزارهای ارتباطی را بیشتر می‌توان در مجلات علمی برای عامه و سایت‌ها یافت تا مقالات علمی - پژوهشی دانشگاهیان. شاید علت، این است که اولاً بسیاری از طرح‌های آینده، هنوز خیال‌پردازی‌های مشاوران شرکت‌های بزرگ حوزه فناوری‌های جدید ارتباطی است؛ ثانياً دانشگاهیان منتظرند وقتی این ابزارها به بازار آمد و کمی هم‌گیر شد، مطالعه پیامدها و آثارش را آغاز کنند. در کتاب «ارتباط‌شناسی ۲» طرح‌های آینده‌نگرانه همراه با کمی خیال‌پردازی درباره انسان و تلفن همراه، انسان و ربات، انسان و بازی‌های رایانه‌ای و انسان و امکانات هولوگرافی را به‌صورت تصویری نشان داده‌ام.

پژوهش‌ها و ارائه مدل ارتباط «منبع معنی» شخصیتی شناخته‌شده هستید. خوب است در حد دانش ما، این مدل را هم معرفی کنید.

مدل «منبع معنی» و تعریف وابسته به آن، نخستین بار در سال ۱۳۵۶ (۱۹۷۷م) در یک جلسه دفاع از پایان‌نامه ارائه شد و همان زمان نیز جایزه ارزشمندی دریافت کرد. چند ماه بعد، دانشکده علوم ارتباطات ویرایش اول آن را در قالب کتابی کم‌حجم با عنوان «ارتباطات انسانی» منتشر نمود. ۱۳ سال بعد، ویرایش دوم آن ابتدا در کتاب ارتباط‌شناسی و سال ۱۹۹۴ در مجله اروپایی ارتباطات چاپ شد. در روی جلد مجله، این مدل به‌عنوان نوآوری معرفی شده بود. پارسال (۱۳۹۵) ویرایش سوم مدل تحت تأثیر تعریف ارتقا یافته ارتباط، به‌صورت فصلی مستقل در کتاب ۸۰۰ صفحه‌ای «ارتباط‌شناسی ۲»، چاپ شد. این مدل در تلاش است با تکیه بر تعریف ارتباط، کل پدیده را به گونه‌ای نظام‌مند و به اصطلاح با انتخاب بالاترین درشت‌نمایی یک میکروسکوپ فرضی آغاز کند و به تدریج از میزان درشت‌نمایی آن بکاهد.

در این مدل، جایگاهی که معنی در آن قرار دارد یا «منبع معنی»، دارای حجمی نامحدود است. ظرفیت معنی‌های موجود در افراد تابع سن، سطوح تحصیلات، تخصص و تجربه و احتمالاً محیط‌های جغرافیایی و فرهنگی گوناگون آنان است؛ مثلاً تعداد یا حجم معنی‌های کودک سه ساله طبیعی با فرد ۳۰ ساله طبیعی، یکسان نخواهد بود. به همین ترتیب، نمی‌توان انتظار داشت که معنی‌های دو آدم طبیعی هم‌سن، یکی با تحصیلات و تخصص بالا و دیگری بی‌سواد اما پر تجربه، یکسان باشد. این همان مثال فلوید است که: «خیلی از افراد، فرزند دارند ولی داشتن فرزند به مفهوم آن نیست که آنان متخصص پرورش کودکانند. تجربه، امری بسیار گران‌بهاست اما حرفه‌ای شدن چیز دیگری است. حرفه‌ای شدن به پیشرفت، دانش و توانایی بیشتر از حد یک تجربه شخصی نیاز دارد.» در مدل من، منبع معنی به‌صورت مکعبی ترسیم شده است که گوی‌های معنی در آن جای گرفته‌اند و حجم آن به‌صورت درجاتی میان صفر و یک فرضی مشخص شده است.



منبع معنی و درجه آن در افراد گوناگون یکسان نیست

در یکی از برنامه‌های شبکه ۴ تلویزیون گویا دو سال پیش در مصاحبه‌ای که یکی از رسانه‌های خارجی با شما در دانشگاه کالیفرنیا انجام داد، از مفهوم جدید «بازار پیام» صحبت کردید که برای من بسیار جالب بود. لطفاً در این باره توضیح دهید.

این اندیشه را نخستین بار سال ۲۰۰۱ در کنفرانس محققان

ارتباط در بوداپست ارائه و این‌گونه توضیح دادم که شواهد حاکی از آن است که ظرف حداکثر سه دهه آینده، با توسعه هوش مصنوعی و شیوه‌های ذخیره‌سازی اطلاعات، زندگی در دهکده جهانی موردنظر **مارشال هربرت مک لوهان**، تغییر خواهد کرد و به‌گونه‌ای در خواهد آمد که ما در یک بازار سنتی شرقی زندگی می‌کنیم؛ یعنی به جای کالا، در آن پیام مبادله می‌شود. به همین دلیل، اسمش را گذاشتم «مسیح بازار». نه مسیح مارکت. وقتی آن عصر فرا برسد، تمامی تکلم‌کنندگان به ۶۸۰۰ زبان موجود در کره زمین، خواهند توانست به کمک ماشین‌های ترجمه هم‌زمان جیبی با یکدیگر گفت‌وگو کنند و نوشته‌های یکدیگر را بخوانند. آن‌گاه با تعبیه فناوری ترجمه همه زبان‌ها در گیرنده‌هایی چون رادیو و تلویزیون‌های آینده، ساکنان همه کشورهای خواهند توانست تولیدات همه رسانه‌های جهان را بفهمند. این رویداد همراه با تحولات دیگر پیش‌رو در فناوری‌های ارتباطی تا دهه ۲۰۴۰م سبب خواهد شد سپهر ارتباطات جهانی از دهکده جهانی به حالت دیگری تبدیل شود که به علت مشابهت با ساخت و کارکرد بازار سنتی قرون گذشته ایران، می‌توان آن را «بازار پیام» نامید.

یکی از خصلت‌های بازار پیام این است که ارتباط‌گر با ارسال پیام برای دیگری، ضمن اینکه او را مالک پیام می‌کند، خود کماکان مالک آن باقی می‌ماند. این پدیده در بازار پیام ابعادی بسیار وسیع به خود خواهد گرفت؛ زیرا همه محتوای بانک‌های اطلاعاتی و کتاب‌خانه‌های جهان، قابل تبدیل به همه زبان‌ها خواهد شد و در اختیار عموم قرار خواهد گرفت.

وقتی از رابطه «تربیت» و «ارتباط» صحبت می‌کنیم، چند موضوع پیش می‌آید. یکی مراحل شکل‌گیری ارتباط است که شما در ضمن مدل «منبع معنی» تا حدودی به آن پرداخته‌اید. موضوع دیگر، نقش تربیت غیررسمی و رسمی در ارتباط است و اینکه تربیت چه باید کند و چه نکند تا ارتباط مطلوب باشد. می‌شود به موضوع، مدیریتی هم نگاه کرد؛ یعنی اینکه در سطوح گوناگون آموزش و پرورش، از مدیریت کلان گرفته تا مدیریت مدرسه و کلاس، ارتباط در چه وضعی است و چگونه باید در جهت پیشبرد اهداف تربیت قرار بگیرد؟ با استفاده از این فرصت می‌خواهم بدانم درباره تأثیر تربیت، به‌ویژه تربیت رسمی، یعنی آنچه در مدرسه و کلاس می‌گذرد بر «ارتباط» چه تحلیلی دارید؟ این تأثیر چگونه می‌تواند بیشتر باشد؟

یک سوءتفاهم بزرگ که سال‌هاست در حوزه مباحث تربیتی گریبان ما را گرفته، باور به همان اندیشه رایج است که «معنی در پیام است»؛ در حالی که اکنون ارتباط‌شناسان باطمینان می‌گویند معنی در مغز^۷ ماست. توجه کنید، نمی‌گویند در ذهن^۸ ماست. اجازه دهید برای اینکه مقصود من روشن‌تر شود، تعریف «معنی» را از همان کتاب ارتباط‌شناسی عرض کنیم: «معنی حاصلی است از شناخت و ارتباط که در بستر فرهنگ شکل گرفته و به‌صورت مولکول‌های پروتئین بزرگ در بخش‌های مرتبط با حافظه مغز

با توجه به مخاطبان مجله ما که مدیران مدارس کشورند، چه توصیه‌هایی دارید یا یادآوری چه نکاتی را لازم می‌دانید؟

اگر حمل بر تبلیغ کتاب نشود، توصیه می‌کنم ابتدا کتاب «ارتباط‌شناسی ۲» از انتشارات سروش و پس از آن کتاب «ارتباطات انسانی» از انتشارات سمت را مطالعه فرمایند. البته می‌دانم که شکل گیری عادت کوتاه خوانی‌های پیامکی و تلگرامی، چگونه ما را از خواندن متون سنگین و حجیم دور می‌کند، اما یادمان باشد جوامعی که این ابزارهای نوین را ساخته‌اند، کماکان آن حجیم‌ها را هم می‌خوانند!

ذخیره شده است. ممکن است ژن نیز در این حاصل نقش داشته باشد». ملاحظه می‌کنید طبق این تعریف، همه ما در سپهری از شناخت و ارتباط زندگی می‌کنیم و به راحتی ممکن است تأثیرات تربیتی شما را یک نهاد دیگر مانند خانواده، رسانه‌ها، دولت‌مردان، حوزوی‌ها و... خنثی کنند یا به‌عکس، شما تأثیرات آن‌ها را خنثی کنید. اصل قضیه این است که اکثر تربیت‌کنندگان - فرقی نمی‌کند حوزوی بالای منبر، مجری تلویزیونی نصیحت‌کننده مردم یا معلم مدرسه - تصور می‌کنند یک پیام به اصطلاح «خوب» کار تربیت را انجام می‌دهد. برای همین، ۴۰ سال است دائم محتوای کتب درسی را تغییر می‌دهیم (اصلاح پیام می‌کنیم)؛ مثلاً کماکان می‌گوییم «ادب مرد به از دولت اوست». بعد، عجیب‌ترین مناظره‌های انتخاباتی را اجرا می‌کنیم. کتاب‌های درسی ما پر است از ستایش «پاک‌دستی» در حالی که فضای زیستمان پر است از فساد و سوءاستفاده‌های بزرگ مالی. همه این‌ها در ساخت ویژگی‌های معنی داخل مغز همه ما دخالت دارد (مقصودم در قسمت هیپوکامپ مغز و به‌صورت مولکول‌های بزرگ است) این همان سخن گران‌قدر منسوب به پیامبر گرامی ماست که: رطب خورده، منع رطب کی کند.



معنی حاصلی است از شناخت و ارتباط که در بستر فرهنگ شکل گرفته و به‌صورت مولکول‌های پروتئین بزرگ در بخش‌های مرتبط با حافظه مغز ذخیره شده است. ممکن است ژن نیز در این حاصل نقش داشته باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. intera-personal communication
2. interpersonal communication
3. group communication
4. public communication
5. mass communication
6. context
7. brain
8. mind

معرفی کتاب

کتاب **ارتباط‌شناسی** که انتشارات سروش اولین بار در سال ۱۳۶۹ آن را چاپ و عرضه کرد، از معتبرترین و ارزشمندترین منابع ارتباط‌شناسی در ایران محسوب می‌شود. کتاب علاوه بر مباحث نظری، آکنده از گزارش‌های پژوهشی و مثال‌های ملموس است. دکتر محسنیان‌راد در سال ۱۳۹۵ و هم‌زمان با چاپ شانزدهم کتاب، ویرایش دوم آن را ارائه کرد؛ کتابی با تجدیدنظر و اضافات کامل و آن‌چنان متمایز، که می‌توان آن را کتابی جدید و اثری غنی و نو در حوزه علم ارتباط‌شناسی تلقی کرد.

کتاب علاوه بر فصل صفر، که همان پیش‌گفتار نویسنده است، شامل ۸ فصل است:
اول: ارتباط چه نوع چیزی است؟

دوم: در ارتباط چه چیزی منتقل نمی‌شود؟

سوم: در ارتباط چه چیزی منتقل می‌شود؟

چهارم: شرط وقوع ارتباط کامل چیست؟

پنجم: مقدمه‌ای بر نگاه دانش‌های دیگر به سه‌گانه معنی، محتوا و مفهوم

ششم: سطوح یا گونه‌های ارتباط

هفتم: مدل منبع معنی

هشتم: مدل‌های دیگر ارتباط.

پژوهش‌ها و مثال‌های متنوع و فراوان، کتاب را بسیار خواندنی و قابل فهم می‌کند. هر کس با هر دلیل و انگیزه‌ای که علاقه‌مند به موضوع ارتباط باشد، حتماً به مطالعه کتاب «ارتباط‌شناسی» نیاز خواهد داشت. کتاب در ۸۷۶ صفحه، به بهای ۴۰ هزار تومان و توسط انتشارات سروش منتشر شده است.

